

دوره ششم تقنینیه

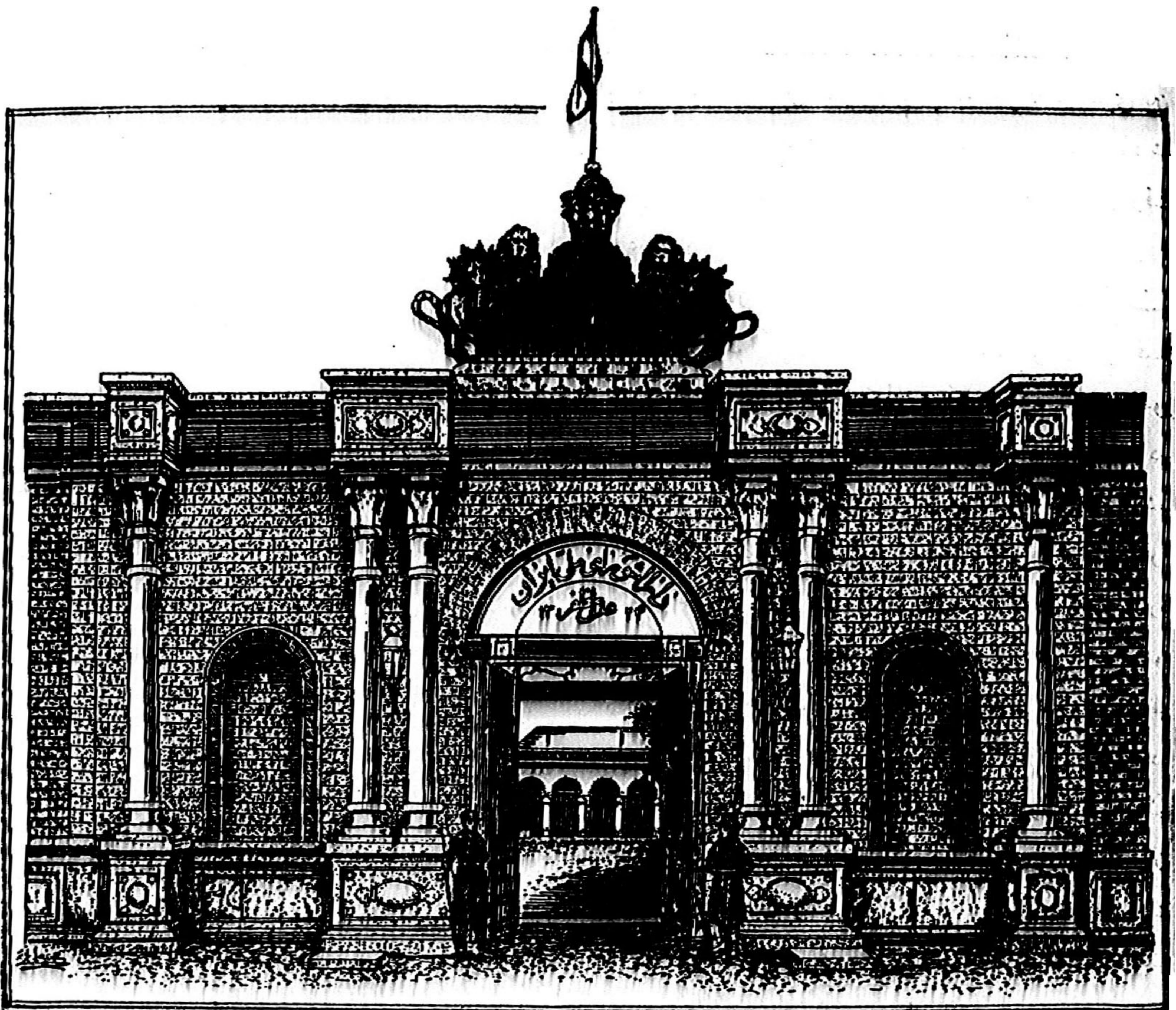
<p>جلسه ۱۷۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۴۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۴ آذرماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخل ایران سالبانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



# فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	ادامه مذاکرات در اطراف لایحه مجازات مجلسین اموال دولتی	۲۸۵۷	۲۸۶۶





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ جادی الثاني ۱۳۴۶

### جلسه ۱۷۶

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان: حاج علی اکبر امین - شیروان - دشتی -  
ارباب کمیخسرو شاهرخ  
غائبین بی اجازه جلسه قبل

( مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر  
بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
( صورت مجلس یوم یکشنبه ۱۲ آذر  
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند )



آقایان: دکتر سنک - محمد ولیخان اسدی - مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه شیراز - اعظمی - دولتشاهی - نظام مافی - شریعت زاده آقا علی زارع - قوام شیرازی - مهدوی - افسر - میرزا عبدالله وثوق - مخبر فرهمند - عصر انقلاب - حاج حسن آقا ملک - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک محمود رضا

دبر آ مدکان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: محقق شیرازی - عراقی - جلالی - امیر حسین خان ایلخان - ذوالقدر - بالیزی - حاج شیخ بیات - فرشی - دکتر رفیع امین - بچی خان زنگنه - افخمی - مولوی رئیس - آقای عمادی

عمادی - آقای دکتر سنک را اینجا غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه چهار روز است نوبه میکنند بنده هم عذر ایشان را در جلسه قبل تقدیم مقام ریاست نموده ام لکن چون در روز جلسه کمیسیون عرایض تشکیل نشد تعویق افتاده است این است که بنده اصل مطلب را بعرض رساندم تا کمیسیون عرایض نتیجه را به عرض برساند.

رئیس - مراجعه میشود بکمیسیون عرایض آقای میرزا عبدالله خان وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق - در جزء غائبین بی اجازه آقای مخبر فرهمند و همچنین بنده را در جزء غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده بواسطه مجلس ختمی که داشتم شرفیاب نشدم و ایشان هم بواسطه اینکه مریض هستند و همه آقایان هم میدانند

رئیس - خوب بود یاد داشت میدادید تا مراجعه شود بکمیسیون صورت مجلس اعتراضی ندارد

(گفتند خیر)

وزیر عدلیه - در جلسه قبل پس از آنکه رأی بتنفیس داده شد مقصود این بود که بکراه حلی در نظر گرفته شود که هم مقصود

وزارت عدلیه نامین بشود و هم اینکه موافقت نظری بین آقایان نمایندگان حاصل شود آن روز مذاکرات زیاد شد و بالاخره به جلسه هم رسیدیم. امروز قبل از وقت با عده از آقایان مذاکره شد و يك پیشنهادی هم بعضی از آقایان تهیه کرده اند که آن پیشنهاد گمان میکنم هم جلو گیری از خبلی از مذاکراتی که قبلا میکردند بکنند و هم اشکالی در کار نباشد. بنده تصور میکنم خوبست آن پیشنهاد را بخوانند بعد البته در صورتیکه بعد از خواندن آن پیشنهاد باز لازم شد مذاکراتی روی اصل آن ماده بشود بنده هم عرضی ندارم و اگر خبر در آن مذاکراتی لازم نیست آوقت وارد در مواد میشود پیشنهاد هم بعد بطور رسمی داده میشود و در آنوقت هم بنده چون این پیشنهاد با موافقت نظر خودم بوده است حاضر هستم قبول کنم که این ماده بگذرد و بنده بطور خلاصه آن پیشنهاد را عرض میکنم اشکالی که آقایان میکردند یکی راجع باین بود که این ماده يك مجازاتی را معین کرده است که این مجازات تا يك درجه عطف بما سبق شده است و بعضی دیگر عقیده شان این بود که اصل مجازاتش هم شدید است. در قسمت اول پس از مطالعه و تبادل نظر بالاخره راه حلی پیدا کردیم که اصل آن مقصود نامین میشود بدون اینکه هیچ عطفی هم بما سبق بشود. در دوم جوزای ۱۳۰۲ سه ماده قانون گذشته است که ماده دوم میگردد هر کسی که مال غیر را تملك کند حبس میشود تا وقتیکه اصل آن مال را با خسارات وارده بصاحبش رد کند بعد هم يك مجازاتهای برایش معین کرده. حالا قسمت جزائیش را کنار میگذاریم و اصل این قسمت که باید حبس شود تا مالی که برده است بدهد در نظر میگیریم. این جا نوشته شده است کساک که قبل از این قانون که امروز امیدوارم بگذرد مرتکب جرم های مندرجه در مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ یعنی اختلاس و انواع ارشده اند این اشخاص مطابق همان موادی که

بوده و تا امروز هم هست تعقیب و مجازات خواهند شد. آنوقت یکی از مجازاتها پرداخت ضعف غرامت آن مالی است که برده اند. این که الان قانون است در آنوقت هم بوده است. این جا فقط اشاره شده است باینکه در صورتیکه اصل مال و غرامت را نه پرداختند بآن اشخاص مطابق قانون دوم جوزای ۱۳۰۲ معامله خواهد شد یعنی مطابق آن قانون این قدر باید در حبس باشد تا مال را بپردازد ولی از طرفی محض اینست که این حبس يك حبس دائمی و خبلی شدید بود و ممکن است مبلغ اختلاس هم قدری زیاد شود که نتواند مختلس بدهد يك حدی برایش قائل شدیم که اگر چنانچه پس از ده سال حبس باز آن مال پرداخته نشد و آن غرامت داده نشد وزیر عدلیه میتواند از پیشگاه ملوکانه استخلاص او را در خواست نماید. این بکفایت است راجع به گذشته و اما راجع به آتی بنده تصور میکنم که باز يك اختلاف نظری بین بنده و بعضی از آقایان باشد برای اینکه عقیده بعضی این است که نباید مجازات شدیدی باشد و همینقدر کافی است ولی بعقیده بنده باید در موضوع اختلاس سخت باشیم و بهمین مناسبت است که در تمام نقاط دنیا اختلاس جزو جنایات است و حبس حبس با اعمال شاقه و یا مجرد است و بنده در همین قسمت حبس مجرد باقی میمانم.

کازرونی - خیابان درست بکنند.

رئیس - پیشنهاد جدید در موقعی که پیشنهادها قرائت میشود خوانده شود یا حالا؟

وزیر عدلیه - اگر اجازه بفرمائید قبلا قرائت شود تا بعد از این توضیحی که بنده دادم آقایان بیشتر متوجه این پیشنهاد باشند و اگر موافقت بکنند بنده هم این پیشنهادی را که آقایان آقا سید یعقوب و شریعت زاده و یاسائی امضاء کرده اند قبول خواهم کرد.

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - اشخاصی که قبل از تصویب این قانون مرتکب

جرم های مشروحه در مواد ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و در تاریخ تصویب این قانون مرور زمان پنج سال نسبت بجرم آنها حاصل نشده باشد مطابق مواد فوق تعقیب و مجازات خواهند شد اعم از اینکه نسبت بآنها قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد و هرگاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد سه گانه فوق را ادا نکنند مطابق ماده دوم قانون جزای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد تا اصل مال و غرامت را بپردازند و هرگاه تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر به استخلاص بجرم بدهد.

ماده ۲ - اشخاصیکه پس از تصویب این قانون مرتکب جرم های مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۷ - شوند علاوه بر مجازاتهای مذکوره در مواد فوق الذکر محکوم بمجازات ذیل خواهند شد هرگاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از پانصد تومان باشد حبس نادیمی از شش ماه تا دو سال - هرگاه میزان بیش از پانصد تومان باشد حبس مجرد از دو ماه تا ده سال.

شریعت زاده - یاسائی - یعقوب الموسوی - صادق خواجوي -

رئیس - این ماده جدید را مطرح کنیم؟

بعضی از نمایندگان - بله

وزیر عدلیه - بله

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اگر ماده سابقه که مال وزیر است



مخالف ولی اگر این پیشنهاد است موافقم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده با يك قسمتش مخالفم

رئیس - عرض کردم - مذاکرات راجع بکلیات است

عراقی - نسبت باین قسمتی که نوشته است هر آینه

پس از ده سال حبس هم نتوانست از عهده پرداخت

اصل و ضعف بر آید بوقت وزیر عدلیه از پیشگاه همایونی

استخلاص او را تقاضا کند بنده نسبت به ضعفش موافقم

ولی نسبت باصلش بنده موافق نیستم و بنظر بنده راه

حل قضیه این است که ناده سال حبس مجرد باشد و در

این مدت اگر دیدند ندارد ممکن است دولت او را اجبر

کند و باروزی چهار پنج قران بملکی وادارد و نازمانیکه

بشود این اندازه هم از او استفاده بکنند بکنند ولی

نسبت به ضعفش ممکن است از پیشگاه ملوکاله تقاضای

استخلاص او را بکنند اما نسبت به اصل مال باید او

را اجبر کنند برای عملگی باروزی چهار پنجقران

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - مطلبی را که آقا تذکر دادند البته

میتوان قابل بحث دانست از این جهت که وقتی کسی

در نتیجه يك عملی بموجب يك قانونی محکوم و ملزم

پرداخت است به استناد ماده مصوب ۱۳۰۲ باید

بقدری در حبس باشد تا جبران کند نظر آقا این بود

که این ماده بموقع اجرا گذارده شود نسبت به مبلغی

که منتفع شده است یا مال دولت را برده است البته

این قانون بجای خودش صحیح است ولی تصور میکنم

غیر از این هم راه دیگری باشد که درمباحثه مورد بحث

واقع بشود مثلاً معلوم شود که مفلس است باید

يك فکر هائی کرد در هر صورت که جامع الاطراف

در موقع بحث مواد آقایان يك فکری بکنند و نظریات

خودشان را پیشنهاد کنند خود بنده هم در این باب

يك نظر دیگری دارم ولی چون مذاکرات راجع بکلیات

است بنظر بنده راجع بلزوم وضع این قانون اگر

مخالفي هست باید اظهار شود چون تصور میکنم آقا در

اصل موضوع مخالفي نداشته باشند گمان میکنم مذاکرات

در این قسمت مقتضی است در موقع بحث در مواد

بعمل آید

رئیس - آقای کازرون

کازرون - بنده با حضرت آقای عراقی موافقم و

حقیقه نسبت باشخاصی که این پولهای که از فقیر زمین

مردم گرفته میشود اختلاس و دزدی و برداشت (لفظش هر

چه هست) بالاخره يك عده غارتگر يك عده بی امانت

خائن ، يك عده دزد بنام معنی و آنوقت بانگ اینکه

بواسطه همان پول میآیند و مجدداً تیرئه میشوند و باز

هم میروند و چنانچه نظائرش را دیدیم همان عملیات

سابقه را تکرار میکنند بنده عقیده ام این است که باید

حبس و توقیف باشد تا آن وجوهی که اختلاس کرده

نادیده کند یا بپرد و راهش همین است البته هر کس

پولی اختلاس کرد وقتیکه مطالبه میکنند میکوبد

ندارم ، اشتباه کرده ام ، نمیدانم چطور شده ، بالاخره

ندارم ، این ندارم ما نظائرش را خیلی دیده ام ، همه

آقایان هم تصدیق میکنند ، بمجرد اینکه اظهار افلاس کرد

و استشهاد آورد ما هم اینجا حس زحمان بمرکت میاید و تیرئه

و زحمت کشی شود ، يك لقمه نانی بخورد اضافه عایدانش

را هم يك جائی نگاهدارند ، اگر جبران کرد قبها و اگر

نکرد همینطور بماند تا بپرد .

رئیس - آقای باستانی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

( گفته شد کافی است )

رئیس - رأی میکنیم برای شور در مواد آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

( ماده اول بشرح ذیل قرائت شد )

ماده اول - اشخاصی که قبل از تصویب این قانون

مرتکب جرمهای مشروحه در مواد ۱۵۲ - ۱۵۳ -

۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و در تاریخ تصویب این

قانون مرور زمان پنجسال نسبت بجرم آنها حاصل نشده

باشد مطابق مواد قانون تعقیب و مجازات خواهند شد

اعم از اینککه نسبت بانها قرار منع تعقیب صادر شده

یا نشده باشد و هرگاه اصل مال و غرامت مذکوره

در مواد سه گانه فوق را ادا نکنند مطابق ماده دوم

قانون جزای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد

تا اصل مال و غرامت را بپردازند و هرگاه تا پس

ازده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد ممکن

است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس

الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد .

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده تصور میکنم که این ماده دو طرف

دارد یعنی يك منطوق دارد يك مفهوم یکی این است

که آنهاست که اختلاس مالیه دولت را میکنند مجازات

کرده اند آنها را بطور نهائی و قطعی عفو بکنیم یعنی

آنهاست که قبل از پنجسال این کار را کرده اند . اگر

آقایان متوجه باشند میگویند جرمهایی که در مواد

فلان و فلان و فلان است باید توجهی بآن جرمها بشود

اگر مسئله که فعلاً مبتلا به ماست همان اختلاس مالیه

دولت است یعنی کسی صد تومان ، هزار تومان بردارد .

خوب است خیانت بمملکت و دولت را در ضمن

این داخل نکنیم و قرار نگذاریم که هرکس پنجسال ونیم

پیش خیانت عظیمه باین مملکت کرده است او از این

عمل بطور ابدی معاف است . علاوه بر این اختلاس هم

درجات دارد . اگر کسی شش سال قبل از این بانصد

هزار تومان این مملکت را برداشته باشد چه لازم است

او را مقایسه کنند با کسی که دو سال قبل سیصد تومان

اختلاس کرده باشد یا در آتیه بکند . ما باید متوجه

باشیم که مواجهیم با دو مطلب بعضی مأمورین جزء

که در ولایات و در مرکز مبلغی بانها سپرده

میشود که بیش از استطاعت آنهاست ماهی صد تومان

موجب دارند هیچ دارائی هم ندارند یا اینکه شیطان

وسوسه میکند بانها چیزی بر میدارند این يك گناهی

است مثل سایر گناههای دیگر . من می بینم کال تعجب

برای من حاصل است که آقایان به آتیه برای ده سال

حبس مجرد هم راضی نیستند و میخواهند پوست آنها را

که صد تومان برداشته اند بکنند در صورتیکه هیچ دلیلی

برای این کار نیست . هر جرمی حدی از جزا دارد . باید

بالاخره آزاد شود . هرکس پای او میبلغزد . و انسان جاز



شده و پول دولت و افراد از همدیگر جدا شده است و معلوم شده است پول دولت مال کسی نیست قبل از مشروطیت کسی که میخواست بر آنها را امضاء میکرد باسندها را دوباره بخرج دولت میگذاشت اینها را همه گفتند و صحبتش شد حتی در مجلس دوم هم گفتند نمیشود تمام آنها را که در زمان قدیم يك كار هائی کرده اند همه را عارف و عامی بدار کشید. آن گذشته ولی بعد از مشروطه همه اهل این مملکت فهمیدند که نباید خیانت بمملکت کنند حالا در ظرف این چند سال ده بیست سال اخیر اگر کسی سیصد تومان برداشته باشد ممکن است عفوش کرد و تزیبی داد و اگر بیست سال قبل است طور دیگری کرد، اما چه دلیل دارد که يك کسیکه شش سال قبل از این پنجاه هزار تومان فرض کنید پول دولت را برداشته است او را فراموش کنیم و استرداد پول دولت را نکنیم در صورتیکه میدانیم چقدر پول دولت پیش اشخاص هست و آنوقت هزار درجه بالاتر از این خیانت به مملکت را در ضمن مختلسین مالیه اصفهان ازین بپیرید بنده شخصاً سوء ظن ندارم ولی این مطلب ایجاد سوء ظن در خارج میکند که مفهوم این ماده مهمتر از منطوقش بوده.

وزیر عدلیه - بنده یقین دارم که آقای تقی زاده مواد ۱۵۳ و ۱۵۷ را نخوانده اند بنده میخواهم اگر خوانده بودند این فرمایش را نمیفرمودند. صورت قضیه بطوری که ایشان بیان کردند این بود که بنده نشسته ام نوی خانه ام فکری کرده ام که خائن مملکت را کاری کنیم که نشود تعقیب کرد بعد فکر کردیم که باین شکل قانون نمیشود آورد بمجلس پس آمدیم دیدیم موضوع مختلسین مالیه اصفهان در کار است ما ظاهراً بعنوان اینکه مختلسین اصفهان را تعقیب کنیم میآئیم يك اشخاص مخصوصی را تعقیب میکنیم، اینطور بوده است عرض میکنم فرمودند کسانی که خیانت کرده اند خیانت انواع و اقسام دارد بکوقت خیانتهای مالی است يك وقت خیانتهای سیاسی است

آمده اند این ماده را پیشنهاد کرده اند و اصلاح کرده اند و ما هم قبول کرده ایم. اساساً گفتگوی مسائل مالی است. گفتگوی این مسائلی است که بنده میخواهم حالا پس از آنکه بنده اینها را خواندم ممکن است آقا بگویند اشخاصی که قبل از مشروطیت هم مال دولت را برده اند باید آمد و يك قانون گذرانند که آنها را هم تعقیب کنند و سرشان را ببرند خوب مجلس شورای هرطور رأی میدهد همان طور است بنده آمده بودم و ده سال گرفته بودم حبس مجرد حالا امروز سخت تر میخواهند بکنند سخت ترش را پیشنهاد بکنند ولی نباید طوری بشود که آن بیان و لطف را وقتی انسان بگیرد و تکان بدهد بکمترتبه تفسیری از آن در بیاید که بنده عرض کردم. این ماده است ماده ۱۵۲: هر يك از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امناء صندوق دولتی که نقدینه متعلق بدولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که بمنزله نقدینه است با اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده بآنها است اختلاس یا هر تصرف غیر قانونی نماید بعلاوه رد مال و تادیبه غرامتی معادل ضعف مال محکوم بانقصال از خدمت دولت از يك تا ده سال خواهند گردید اولاً این قسمت قسمت مالی است نه صحبت قبالة کردن مملکت است. نه صحبت قرارداد است نه صحبت خیانتهای دیگر. صحبت مالی است.

دوم هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی و اشخاصی که عهده دار خرید یا فروش یا ساختن چیزی یا امر ساختن آن برای دولت بوده است بواسطه تدایس در خرید یا فروش یا در تعیین مقدار یا صفت آن چیز واقعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد که موجب ضرر دولت باشد علاوه بر استرداد آنچه تحصیل کرده بتادیبه غرامتی معادل ضعف آن محکوم خواهد شد و اگر مستخدم دولتی باشد بعلاوه مجازات فوق از يك تا هفت سال از خدمت دولت منفصل خواهد گشت. این ماده ۱۵۳ باز هم می بینید قسمت مالی است، ماده ۱۵۷

هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی که بالمباشره یا بتوسط وسائط در معاملات و مزایده ها و مناقصه ها و تخصیصات و امتیازات دولتی که در تحت مدیری یا نظارت او بعمل آمده نفعی برای خود منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دولت بر عهده دولت چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که بر حسب وظیفه عهده او بوده یا تفریح حساب که باید بعمل آورد برای خود نفعی منظور دارد علاوه بر انفصال از خدمت دولت محکوم بتادیبه ضعف انتفاعی که منظور داشته است خواهد شد. منظور این مواد که اینجا ذکر شد تعقیب انتفاعات مالی مأمورین است که مأمور خرید و فروش و جمع آوری و حفظ پول هستند سایر خیانتها و انتفاعاتی هم که میتواند از آن راه ببرد آنها را در يك ابواب دیگری ذکر کرده اند و اصلاً در اینجا نیست و مجازاتهای خیلی شدیدتری دارد بنده خواستم این توضیح را بدهم اگر چه تصور میکنم همانطور که فرمودند سوء ظن نداشتند ولی طوری برداشت مطلب شده بود که داشت بواش بواش برای خود بنده اشتباه میشد که خوب کاری است بلکه نوی کله من اینطور رفته حالا در اصل قضیه در آن قسمت کار ندارم ایشان عقیده شان چیست؟ عقیده شان این است که این مرور زمان پنجسال را کم میدانند و بیشتر باید باشد؟ بنده این را واگذار میکنم بنظر مجلس البته بنده هم دلالتی دارم برای اینکه در این موضوع صحبت کنم ولی نمیکم میگذارم ببینم پیشنهاد چه خواهد بود و نظر اکثریت مجلس چه خواهد بود ممکن است ایشان پیشنهاد کنند از بیست سال باینطرف اگر اکثریت رأی داد قانون خواهد بود بنده آن چیزی را که با موافقت نظر آقایان موافقت کرده ام مرور زمان پنجسال است. مسئله مرور زمان هم بی فلسفه نبوده است و البته فلسفه دارد. و بنده خواستم يك راه حلی برای رفع اختلافات تهیه کنم و علت اینکه این پیشنهاد را قبول کردم برای این



بوده است که خود بنده تا يك درجه با آن منطق که در مقابل ماده قبل اظهار شد موافق بودم زیرا هر روز نمیشود در مملکت يك قضایای کهنه را پیش کشید و از سر نو دنبال کرد ما همینقدر اشخاصی که همین قانون دوم جزوا شامل آنها میشده یعنی از آن موقع به بعد مالیه دولت را برده اند و اختلاس کرده اند و يك کارهایی که در هر حال جزوا اعمال مباحه نبوده بجا آورده اند آنها را تمقیب کنیم زیرا در هر صورت اختلاس مباح نبوده که مورد شفقت واقع شود. مثلاً قانون مجازات برای زمانی که مجازاتی قرار داده ولی چون قبل از وضع قانون رمالی يك کار بدی نبوده جرمی بان تعلق نمیکیرد ولی اختلاس را نمیشود گفت که يك عمل مباحی بوده است. و در هر حال مختلس مجازات دارد. حالا آمدیم و يك راه حلی پیدا کردیم و معتقد شدیم که اولاً این مختلسین باید زودتر مجازات شوند و برای اختلاس آنی یعنی نسبت به بعد هم يك مجازات شدیدتری قائل شدیم تا بلکه از بردن مالیه دولت جلو گیری شود. این مقصود ما بود حالا دامنه این قضیه را می خواهید بکشید تا اول مشروطیت سهل است چه ضرر دارد گفته شود تمام اشخاصی که خیانت کرده اند و در قید حیانتند مجازات شوند اینهم يك اصلی است البته آقایان مختارند ولی بطور کلی نمیشود قبول کرد.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده موافقم.

رئیس -- آقای افشار

افشار -- موافقم.

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- بنده هم موافقم

رئیس -- آقای زوار

زوار -- بنده عرضی ندارم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- موافقم

رئیس -- آقای فرمند

فرمند -- بنده موافقم.

رئیس -- پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای

فیروز آبادی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده قید شود که در تمام مدت حبس آنها باید مشغول شغل و عمل در محبس و خارج محبس بوده باشند که لا اقل باندازه مخارج خودش کار بکنند و حبس او هم يك ضرر و نحمیلی بر مملکت نباشد

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- عرض میشود از آنجائی که بنده عقیده دارم که اختلاس و سرقت و خیانت باید بطوری مجازاتش سخت شود که دیگر کسی يك دینار چه از مال دولت و چه از مال ملت را نبرد و اختلاس نکند عقیده دارم اشخاصی که اختلاس کرده اند و در محبس میروند لا اقل آنجا در کمال راحتی نباشند بلکه معتقدم که باید مشغول يك کاری باشند. ملاحظه فرمایند يك کسی که ده هزار تومان صد هزار تومان از مال ملت را اختلاس میکند آنوقت ده سال حبس میشود و در محبس هم بدون اینکه هیچ کاری بکند مبلغ گزافی از مال مردم و مملکت را بگیرد و صرف میکند و بطور راحتی بسر میبرد و این هیچ خوب نیست باین ملاحظه این پیشنهاد را کردم که اقل در آنجا مشغول شغل و عملی باشد جوراب بافی و قالی بافی یا بالاخره يك کاری بکند که از حاصل دسترنج خودش زندگی بکنند نه اینکه باز يك نحمیلی بجزانه دولت و مملکت وارد آورد

وزیر عدلیه -- بنده تصور میکنم که نماینده محترم باین تبصره میخواهند اعمال شاقه را اجرا کنند تقریباً همان مقصود است ولی قانون باید صریح باشد اگر می

خواهید این اشخاص را محکوم باعمال شاقه بکنید دو عیب پیدا میکند یکی اینکه در آن موقع که اینها مرتکب این عمل شده اند قانون حبس با اعمال شاقه را برای اینها معین نکرده بود در صورتیکه ما این مجازات را عطف بان قانون جزوای ۱۳۰۲ می کنیم

ثانیاً حبس با اعمال شاقه یکی از حبس های مهمه است که اختصاص به عملیات جنائی و جرمهای درجه اول دارد، حالا با توجه باین موضوع اگر آقایان میخواهند این پیشنهاد را قبول فرمایند آنهم يك موضوعی است ولی بنده تقاضا میکنم که آقا موافقت فرمایند و پیشنهادتان را پس بگیرند و با ماده موافقت فرمائید و بعلاوه اگر نظر آقا داشتن شغلی است باید عرض کنم که اصولاً اشخاصی که در محبس هستند موافق نظامنامهائی که نوشته شده هر کسی باید شاغل يك شغلی باشد و يك کاری برای خودش تهیه کند ولی این اجباری نیست بلکه برای این است که بیکار نباشند و يك کارهایی داشته باشند. بنا بر این گمان میکنم مقصود آقا نامین میشود.

فیروز آبادی -- اگر مقصود بنده نامین بشود باین ترتیب که این اشخاص در آنجا مشغول يك شغل و کاری باشند بنده پس میگیرم

رئیس -- پیشنهاد آقای عراقی.

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صورت نداشتن مالیه نسبت باندازه علاوه معاف ولی نسبت باصل مال دولت معاف نباشد.

رئیس -- آقای عراقی

عراقی -- بنده نقطه نظر این است که این اشخاص نسبت به ضعف و آن قسمتی که بطور مجازات اضافه باید بدهد آن قسمت را ممکن است در صورت نداشتن و گذشتن ده سال معاف شود ولی نسبت باصل مال

دولت اگر این ماده نگذرد ممکن است يك سوء تفاهم هائی تولید شود. باین معنی که پس از اینکه ده سال نوي حبس میماند يك افلاس نامه هائی درست میکنند و از دستگاه همایونی يك تقاضاهائی برای استخلاص او می شود و رها میشود و این را بنده عقیده ندارم فرضاً که خود او مرده باشد باز برای ورثه اش يك مبالغ هنگفت باقی می ماند. فرض کنیم این شخص ضعف مال مسروقه را نمیتواند ادا کند و چیزی ندارد اما بخود پول سزاوار نیست که ندهد. و در صورتیکه واقعاً نداشته باشد برود عملگی کند و روزی چهار پنج قران از او وصول میشود و کار میکند خود این غنیمت است. خلاصه اینکه بنده معتقدم اصل مال دولت را هر طور است باید بدهد و باید از او وصول شود.

وزیر عدلیه -- فرمائید دو مرتبه پیشنهاد را بخوانند

پیشنهاد آقای عراقی مجدداً بمضمون سابق قرائت شد وزیر عدلیه -- بنده گمان میکنم نماینده محترم نظرشان این است (چنانکه در ضمن فرمایشاتشان اظهار کردند) که مبدا این اشخاص يك افلاس نامهائی درست کنند و خودشان را مفلس جلوه بدهند و از این جهت معاف شوند ولی باید عرض کنم که اینطور نیست زیرا شخص که مال دولت را برده باید آنقدر در محبس بماند تا مال دولت را بدهد. و این عنوان افلاس تنها کافی نیست. این را بنده در اینجا بطور تذکر عرض میکنم که اسباب سوء تفاهم نشود و در موقع اینطور تعبیر و تفسیر نشود.

عراقی -- بعد از این تصریح که آقای وزیر عدلیه تذکر دادند بنده مسترد میدارم.

رئیس -- پیشنهاد آقای مولوی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

اشخاصی که قبل از تصویب این قانون مرتکب



جره‌های مشروح در مواد ۱۵۲ الی ۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و از تاریخ تصویب این قانون مرور زمان پنجسال نسبت بجرم آنها حاصل نشده باشد مطابق مواد فوق تعقیب و مجازات خواهد شد. نسبت بجرم‌هایی که از حیث جنبه عمومی قرار یا حکم منع تعقیب صادر شده هرگاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد مزبور فوق را ادا نکند مطابق ماده دو قانون جوزای ۱۳۰۲ رفتار خواهد شد در صورتیکه افلاس و عدم تدلیس مجرم بحکم محکمه صالحه ثابت و مدلل شود ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص بدهد

رئیس -- آقای مولوی

یکی از نمایندگان -- حاضر نیستند. دادند و رفتند  
رئیس -- پیشنهاد آقای بامداد

(باین کیفیت خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم جمله (مرور زمان) از ماده حذف شود  
رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- بنده اساساً با قانون مرور زمان کاملاً موافقم. حتی در قضایای حقوقی هم معتقدم که باید باشد و دولت بالاخره برای این مسئله باید یک فکر اساسی بکند...

وزیر عدلیه -- قانونش بمجلس تقدیم خواهد شد  
بامداد -- خوش نمانه آقای وزیر عدلیه میفرمایند قانونش بمجلس تقدیم خواهد شد. ولی چیزی که بنده می‌خواهم عرض کنم این است که تمام افراد مملکت فریاد دارند از اینکه در ایام مشروطیت چطور بکنفر پیدا نشد که یک جرمی نکنند؟! بدلیل اینکه تا کنون هیچ دبدبه نشده که یک کسی مجازات شود، پس معلوم می‌شود که هیچ جرمی واقع نشده که کسی مجازات نشده است. و مملکت هم الحمد لله کلستان شده است. حالا آمده اند و این ماده را تخصیص داده اند به پنج

و مشمول این قانون دانست! کجا می‌کنم مقصود این نباشد پس تصور می‌کنم اگر آقا پیشنهاد می‌فرمایند خوب است مدت را معین کنید آنوقت اگر مجلس شورای ملی قبول کرد ماهم حرفی نداریم و همان قانون میشود بامداد -- بنده مدت را از اول مشروطیت تا بحال که بیست و چهار سال است پیشنهاد می‌کنم  
باسائی -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید.

باسائی -- آقایان مراجعه بقانون نمی‌کنند و این پیشنهادها را می‌فرمایند. قانون جزا را بنده می‌خوانم تا آقایان ملاحظه بفرمایند و مادام که این قانون نقض نشده بقوت خودش باقی است

ماده ۵۱ -- هرگاه کسی مرتکب جرمی شده در مورد خلاف در ظرف یکسال در مورد جنحه در ظرف سه سال و در مورد جنایت در ظرف ده سال جرم او تعقیب نشده باشد دیگر تعقیب از مجرم نمیشود و اگر شروع به تعقیب شده و بجبهتی موقوف مانده و مدتهای مذکوره منقضی شود دیگر اعاده تعقیب نخواهد شد مبدأ مدتهای مذکوره در صورت اولی از تاریخ ارتکاب و در صورت اخیر تاریخ آخرین اقدام تعقیب محسوب است.

در خود این قانون مرور زمان را قائل شده اند. و بایستی در پیشنهادانی که میشود این ماده قانون مراعات شود. بنده عقیده‌ام این است پنجسال زیاد است و باید سه سال نوشته شود زیرا این یک مجازاتی است که برای جرمهای جنحه معین میشود و مطابق قانون نمی‌توانیم بیش از این مجازات قائل شویم.

رئیس -- عده کافی نیست تنفس داده میشود.

حاج آقا رضا رفیع -- بنده مخالفم اجازه می‌فرمائید.

رئیس -- بفرمائید.

حاج آقا رضا رفیع -- در یک همچو روزی که یک همچو لایحه به مجلس آمده خیلی اسباب تاسف است که

برای بیرون رفتن چند نفر از آقایان یک مجلسی متمم شود باینکه باختمسین همراه است و در مقابل یک جامعه بد جلوه گر بشود. این یک مسئله مهمی بود که همه ماها بدولت همه روز فشار آوردیم. سؤال کردم حرف زدیم. پادشاه مملکت اجازه داد و فرمود که حتماً باید یک همچو لایحه به مجلس برود تا بالاخره امروز به مجلس تقدیم شد و حالا نیمساعت از ظهر می‌رود و مجلس میخواهد تعطیل شود. این خوب نیست. به عقیده بنده بهتر این است که بفرستیم عقب آقایان اگر آمدند که هیچ والا جلسه را ختم کنیم تنفس فایده ندارد.  
رئیس -- چند مرتبه فرستاده شده نیامده اند.

وزار -- فرمودید چند مرتبه فرستاده شده و آقایان نیامده اند. اگر اینطور است بنده استدعا می‌کنم مقرر فرمائید که اسم آقایان را ثبت کنند  
مدرس -- فائحه رفته اند

آقا سید یعقوب اجازه می‌فرمائید.

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- بنده عقیده‌ام این است که آقای قائم مقام و زوار عصبان نشوند هیچ وقت نمایندگان محترم حاضر نباشند که بایک شوق و شعفی قانون مجازات را بنویسند خاصه در این موقع که حقیقتاً مملکت دارد رو به عمل می‌رود از آنطرف تصدیق می‌فرمائید که جلسه یک قدری طول کشیده و نیمساعت از ظهر گذشته و یک عده رفته اند بفائحه و یک عده هم بیرون سیکار میکشند و حالا خواهند آمد. و همه مجلس متوجه است که این قانون عملی شود. این را بنده عرض کردم که سوء تفاهم نشود. و معتقدم همانطور که مقام ریاست فرمودند خوبست چند دقیقه تنفس داده شود و پس از پنج دقیقه مجلس دو باره تشکیل شود

رئیس -- خوب در اینصورت جلسه باید ختم شود

(مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم شد)